

وزیر مختار ادیب

در آمدی بر زندگی و فعالیت حرفه‌ای
هووهانس ماسحیان سفیر ایران در
کشورهای انگلستان، آلمان و ژاپن



وزیرمختار ادیب

درآمدی بر زندگی و فعالیت هوهانس ماسحیان
سفیر ایران در بریتانیا، آلمان و ژاپن

از مجموعه چهره‌های ماندگار
جامعه آرامنه ایران

کاری از اتاق مشترک بازرگانی ایران و ارمنستان

پیشگفتار

در تاریخ دیرینه ایران زمین، کم‌شمار نیستند ستارگانی که از جامعه ارمنیان طلوع کرده و در آسمان این مرز و بوم درخشیده‌اند؛ کسانی که در دوران حیات خود منشأ خدمات بزرگ و کم‌نظیری به مردم بوده‌اند. نام بردن از همه آنها در این مجال کوتاه و مقال مختصر ممکن نیست. این چند ورق و این مختصر نوشتار، ادای دینی است به «هوهانس خان ماسحیان» یا به قولی که بیشتر جاافتاده است، «آوانس خان مساعد» که یکی از پیش‌قراولان دیپلماسی کشور و شارحان علم سیاست خارجی بود. در بریتانیا، آلمان و ژاپن بر کرسی وزیرمختاری ایران نشست و در داخل هم به تدریس سیاست و ترجمه کتب و متون تاریخی و ادبی مشغول بود.

آوانس خان مساعد هم دست‌گاہ حاکمه را با کتاب‌های روز دنیا تغذیه می‌کرد و هم





در دارالفنون به دانشجویان درس سیاست می‌داد. در محافل و مجامع سیاسی و دیپلماتیک خارج از کشور به دنبال منافع ملی بود؛ دستی بر ادبیات داشت و نه فقط جامعه ارمنیان که ایرانیان را با چهره‌های ادبی بزرگی چون شکسپیر و ولتر آشنا کرد. آوانس خان یکی از کواکبی بود که به ستاره درخشانی بدل شد و به سوسو زدن در آسمان شب اکتفا نکرد.

ما در اتاق مشترک بازرگانی ایران و ارمنستان بر خود وظیفه می‌دانیم که در حد توان به معرفی چهره‌هایی چون آوانس خان مساعد بپردازیم و از شرح خدماتشان بگوییم تا مگر نقشی در پررهور شدن راهشان داشته باشیم.

هرویک یاریجانیان
رئیس اتاق مشترک بازرگانی
ایران و ارمنستان

سخن آغازین

در تاریخ ایران نام‌هایی وجود دارد که گرچه در میان مردم کمتر شنیده شده اما در عرصه‌های فرهنگ، ادب و سیاست، نقشی ماندگار و درخشان ایفا کرده‌اند. در این میان، نمایندگان جامعه ارمنیان ایران - از هنرمندان رشته‌های گوناگون گرفته تا دیپلمات‌ها و مترجمان - همواره با وفاداری و عشق به میهن، در خدمت ایران زمین بوده‌اند.

یکی از چهره‌های برجسته این جامعه، هوهانس خان ماسحیان ملقب به آوانس خان مساعد است؛ مردی فرهیخته از ارمنیان ایران که عمر خود را وقف دیپلماسی، ادبیات و بسط انسانیت کرد. او با منش و رفتار خود، برگفت‌وگو، همزیستی و احترام متقابل میان انسان‌ها تأکید داشت و بر این باور بود که تمدن‌های گوناگون تنها از رهگذر یادگیری و تعامل با یکدیگر می‌توانند به رشد و تعالی دست یابند.



تدوین این کتابچه (و برگزاری مراسم یادبودش)،
ادای دینی است به آوانس خان ماسحیان
(مساعد السلطنه)؛ فرزندى از ایران که با دانش،
وقار و عشق به وطن، نام خود را در زمره نیک‌نامان
تاریخ این سرزمین جاودانه ساخت.

زندگی مساعد

هوهانس خان ماسحیان در ۲۸ فوریه ۱۸۶۴
میلادی مصادف با نهم اسفند ۱۲۴۲ شمسی
در کوچه آرامنه محله شاه‌عبدالعظیم تهران، در
خانواده‌ای ارمنی تبار چشم به جهان گشود. پدرش
تزرونی ماسحیان از زرگران و جواهرسازان نامدار
دربار قاجار بود که در میان درباریان به ابراهیم خان
زرگرباشی شهرت داشت. مادرش، آنا پرواندیان، نیز
از خانواده‌های فاضل و سرشناس اهل تبریز بود.
استاد تزرونی، پدر هوهانس، خود متولد سال
۱۸۱۱ میلادی بود. این جواهرساز خبره و زبردست،



بیش از نیم قرن در کاخ شاهان قاجار با هنر کم‌نظیری خود آثار فاخری خلق کرد که موجب شد نشان‌های افتخار متعددی دریافت کند...

احتمالاً مهم‌ترین شاهکار استاد تزرونی در صنعت طلا و جواهر، ساخت یک کره جواهرنشان باشد که به فرمان ناصرالدین شاه در سال ۱۸۷۵ ساخته شد. این کره باشکوه که امروزه در موزه جواهرات ملی ایران در خزانه بانک مرکزی قرار دارد، اثر نفیسی بی‌نظیری در میان جواهرات ایرانی است. در این اثر ارزشمند ۳۴ کیلوگرم طلای خالص کارشده و وزن جواهرات به‌کاررفته در آن نیز به ۳۶۵۶ گرم می‌رسد. هوهانس تحصیلات مقدماتی خود را در کلیسای تادئوس و بارتوقیمئوس مقدس ارمنیان در محله دروازه شاه‌عبدالعظیم آغاز کرد و سپس بعد وارد مدرسه هایگازیان شد که خود این مدرسه نیز سرنوشتی خواندنی و آموزنده دارد. هوهانس در سال ۱۸۷۸ میلادی موفق شد نشان صلیب طلایی



را دریافت کند و به عنوان شاگردی نمونه و کوشا به تحصیل ادامه دهد.

او در سال ۱۸۸۱ میلادی برای ادامه تحصیل راهی فرانسه شد و به مدت سه سال، در رشته‌های علوم سیاسی، علوم اجتماعی و تاریخ ادبیات در شهر پاریس به تحصیل پرداخت و پس از پایان دوره تحصیلات خود به ایران بازگشت.

ورود به دنیای دیپلماسی

هوهانس خان که به چند زبان از جمله فارسی، ارمنی، فرانسوی، انگلیسی و آلمانی تسلط کامل داشت، پس از بازگشت به تهران در سال ۱۸۸۴ میلادی، در بیست‌سالگی، با حقوق ماهیانه دو تومان، به دارالترجمه دولتی پیوست و در زمره مترجمان مخصوص ناصرالدین‌شاه درآمد. به این ترتیب هوهانس ماسحیان فعالیت رسمی خود را در عرصه دیپلماسی هم آغاز کرد.



ورود هوهانس خان به دنياى سياست خارجى، نقطه عطفى در زندگى او به شمار مى رفت. در دورانى كه روابط ايران با كشورهاي اروپايى رو به گسترش بود، او به عنوان نماينده فرهنگى و سياسى ايران در مأموريت هاي گوناگون حضور يافت. در محافل سياسى آن زمان، از ماسحيان به عنوان پل ارتباطى ميان فرهنگ شرق و غرب ياد مى كردند. تسلط او بر زبان هاي گوناگون اروپايى، از وي چهره اي فرهيخته، قابل اعتماد و محترم در گفت و گوي ديپلماتيك ساخته بود.

در سال ۱۸۹۷ ميلادى، او به عنوان مترجم همراه هيئتي سياسى از ايران با مأموريت تريك گويى آغاز پنجاهمين سال سلطنت ملكه ويكتوريا به انگلستان اعزام شد. پس از بازگشت به ايران در سال ۱۸۹۸ ميلادى، تدريس حقوق بين الملل و تاريخ جهان را در شعبه علوم سياسى مدرسه دارالفنون آغاز كرد.



چند سال بعد مجدد در ترکیب هیئتی قرار گرفت که برای حضور در مراسم تاجگذاری نیکلای دوم، امپراتور روسیه، از طرف شاه ایران به پترزبورگ اعزام شد. هوانس مدتی پس از سفر نخستش در قالب یک دیپلمات به لندن، این بار برای شرکت در جشن هشتادمین سال تولد ملکه ویکتوریا به انگستان سفر کرد و بعد از بازگشت از این سفر بود که به عنوان مستشار ایران به برلین رفت. هوهانس در همان سال، به عنوان نماینده دولت ایران در کنفرانس بین المللی کشتیرانی، سواحل دریاها و ایستگاه‌های رادیویی نیز شرکت کرد.

هوهانس خان تا سال ۱۹۱۱ میلادی در سفارت ایران در برلین به عنوان مستشار و بعد به عنوان معاون قنصل خدمت کرد. در همان سال به سمت رئیس دفتر ابوالقاسم خان قراگوزلو همدانی (معروف به ناصرالملک) نایب السلطنه احمدشاه قاجار برگزیده و به تهران فراخوانده شد اما یک سال بعد، بار دیگر



به آلمان بازگشت و این بار به عنوان وزیرمختار ایران در برلین مشغول خدمت شد.

با رواج نظام شناسنامه و حذف القاب در ایران، هوهانس خان که تا آن زمان به لقب مساعدا السلطنه شناخته می‌شد، نام رسمی خود را به «آوانس خان مساعد» تغییر داد.

در سال ۱۳۰۵ خورشیدی (۱۹۲۶ میلادی)، او در انتخابات مجلس شورای ملی شرکت کرد و به عنوان نماینده ارمنیان جنوب ایران برگزیده شد. با این حال، در ۲۵ تیر ۱۳۰۶ از سمت خود استعفا داد و به عنوان وزیرمختار ایران در انگلستان منصوب شد. سه سال بعد، در ۱۷ تیر ۱۳۰۹، به عنوان نخستین سفیر ایران در ژاپن مأموریت یافت و عازم توکیو شد.

هوهانس خان با موفقیت، سفارت ایران در ژاپن را پایه‌گذاری کرد و فعالیت‌های دیپلماتیک خود را با درایت و شایستگی پی گرفت. اما پس



از مدتی بر اثر بیماری ناچار شد به ایران بازگردد. او در مسیر بازگشت، در شهر طاعون زده خاربین در منطقه منچوری، دار فانی را وداع گفت؛ در حالی که هیچ کس در واپسین لحظات در کنارش نبود. پیکر بی جان او به کوشش دولت ایران به تهران منتقل شد.

مراسم تشییع و بزرگداشت وی در مدرسه ارمنیان واقع در خیابان نادری تهران در روز ۱۲ فروردین ۱۳۱۱ خورشیدی با تشریفات رسمی برگزار شد. پیکر او ابتدا در محوطه کلیسای میناس مقدس در دهونک به خاک سپرده شد و سپس به کلیسای مریم مقدس ارمنیان در خیابان قوام السلطنه (سی تیرکنونی) انتقال یافت و در آنجا آرام گرفت. به همین مناسبت، در روزنامه ایران اطلاعیه‌ای در بزرگداشت نام و خدمات او منتشر شد که آغازگر فصل تازه‌ای از یاد و قدرشناسی نسبت به این مرد فرهیخته و وطن دوست بود.



اطلاعیه در روزنامه ایران

به آگاهی خاطر عموم می‌رساند:

روز جمعه دوازدهم فروردین ماه ۱۳۱۱، یک ساعت پیش از ظهر، مجلس ترحیم مرحوم آوانس خان مساعد (مساعد السلطنه)، وزیر مختار پیشین ایران در لندن، برلین و توکیو، در مدرسه ارمنیان واقع در خیابان نادری تهران برگزار خواهد شد. پس از پایان مجلس مزبور، پیکر آن مرحوم برای تدفین به سوی قریه ونک انتقال خواهد یافت.

شماره اعلان: ۳۰۹۳

هیئت تشییع جنازه مرحوم آوانس خان مساعد

سرنوشت مدرسه هایگازیان

مدرسه ارمنیان تهران به نام «هایگازیان» در سال ۱۸۷۰ میلادی توسط سه تن از فعالان تجاری و اجتماعی وقت در محله کلیسای گئورگ مقدس



تهران تاسیس شد. این همان مدرسه‌ای است که هوهانس خان ماسحیان تحصیلات خود را در آن با صلیب طلایی به پایان برده بود. قبل از آن از سال ۱۸۵۰ میلادی دانش‌آموزان کم‌تعداد ارمنی در کلاس‌های مذهبی شرکت داشتند. به مرور زمان و افزایش ساکنان ارمنی در محله حسن‌آباد تهران، مدرسه‌هایگازیان نیز به این محله انتقال یافت و در سال ۱۹۱۰ میلادی با کمک‌های مالی یک خیر ارمنی به نام داوتیان، ساختمانی دوطبقه بنا شده و نام مدرسه نیز به «داوتیان» تغییر یافت. در سال‌های بعد و براساس قوانین تحمیلی دولت وقت، نام مدرسه به «کوشش-داوتیان» تغییر پیدا کرد.

به لطف آقبالیان، مدیر مدرسه‌هایگازیان در سال‌های ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۲، برنامه آموزشی مدرسه اصلاح و به‌روزرسانی شده و آموزش ۱۰ ساله هماهنگ و نظم و انضباط داخلی با مقررات ویژه، براساس



استقلال گسترده دانش‌آموزان، برقرار شد. اما یکی از روزهای تلخ تاریخ این نهاد آموزشی، روزی بود که مدرسه به دستور رضاخان بسته شد.

یکی از شاهدان دربارہ آن روز نوشته است: در روز سیاه ۲۵ نوامبر ۱۹۳۶، علی‌اصغر حکمت، وزیر آموزش و پرورش ایران، شخصاً به مدرسه ارمنیان آمد و به زبان خودش دستور تعطیلی («این طویله») را داد. پلیس ۱۲۰۰ دانش‌آموز را که با چشمان اشک‌آلود شاهد ماجرا بودند، از مدرسه اخراج و مدرسه را تعطیل کرد. با تعطیلی مدرسه داوتیان، مدارس استان‌ها نیز تعطیل و املاک و دارایی‌های آنها توقیف شد. وزارت آموزش و پرورش تلاش‌های مداومی برای تصرف ساختمان و املاک مدرسه داوتیان انجام داد، اما با تلاش‌های رهبران جامعه ارمنیان و به لطف سرسختی شورای اجتماعی، مدرسه توانست آنها را تا زمان سقوط سلطنت رضا شاه در دست خود نگه دارد.



نقش آفرینی ماسحیان در آموزش ارمنیان

به شهادت فعالان اجتماعی جامعه ارمنیان تهران، هوهانس خان ماسحیان به عنوان ادیب و مترجمی توانا که به چندین زبان اروپایی مسلط بود، نقشی اساسی در ایجاد مدارس برای جامعه ارمنیان تهران بازی کرد. یکی از همین فعالان اجتماعی با بیان خاطره‌ای می‌نویسد:

سیستم مجامع عمومی برای تصمیم‌گیری درخصوص مسائل مختلف جامعه ارمنیان در تهران از سال ۱۸۹۱ آغاز شد، زمانی که گروهی از روشنفکران به رهبری هوهانس خان ماسحیان و همفکرانش، به فکر به دست گرفتن امور آموزشی شده، آن را از انحصار انجمن آموزشی که در کنترل جامعه نبوده و تا آن زمان متولی امور بود گرفته و به جامعه بازگرداندند. در آن زمان، انجمن آموزشی که حدود ۲۰ سال مدرسه را اداره می‌کرد، به دست افراد جدیدی افتاده بود. به دعوت ماسحیان و



همکارانش، اولین مجمع عمومی ارمنیان در ژانویه ۱۸۹۱ در تهران تشکیل شد که هیئت اجرایی مدرسه، یعنی هیئت امنای آن را انتخاب کرد که ماسحیان و دو تن از همفکرانش نیز به عنوان اعضای آن انتخاب شدند. هیئت اجرایی به تدریج علاوه بر مدارس، مدیریت و نظارت بر امور عمومی جامعه ارمنیان تهران را نیز بر عهده گرفت.

نقش آفرینی تاریخی ماسحیان در جنبش مشروطیت

هوهانس خان ماسحیان به عنوان دیپلمات و فعال اجتماعی، نه تنها در بخش دولتی از اعتبار خاصی برخوردار بود، بلکه هم‌زمان در جامعه ایران نیز به عنوان شخصیتی مردمی و معتبر شهره بود؛ به همین دلیل در دوران جنبش مشروطیت نیز برای کمک به این جنبش فعالانه عمل کرد. در دوران جنبش مشروطیت، در اوایل دسامبر سال



۱۹۰۷ میلادی، قرار بود مذاکراتی برای همکاری بین گروه‌های ارمنی و رهبران جنبش صورت گیرد، که به علت شرایط دشوار سیاسی، مذاکرات به پایان ماه دسامبر موکول می‌شود. مذاکرات یک هفته طول می‌کشد و پس از شش جلسه مذاکره فشرده با امضای توافق‌نامه‌ای متشکل از ۱۲ ماده با موفقیت به پایان می‌رسد. با این توافق، نمایندگان ارمنیان متعهد شدند که حمایت خود را از جنبش مشروطه ایران نشان داده و با تبلیغات همه‌جانبه حمایت کشورهای اروپایی از جنبش مشروطیت را جلب کنند.

براساس یکی از بندهای توافق‌نامه با در نظر گرفتن تمایل رهبران جنبش، ارمنیان تلاش خواهند کرد تا از فرانسه مبالغی وام برای جنبش ایران دریافت کنند. آنها پیشنهاد می‌کنند که برای این منظور از هوهانس خان ماسیحان در حل این مسئله کمک بگیرند، چرا که او در آن زمان در اروپا حضور داشت.



حراست از جامعه ارمنیان در جنگ جهانی اول

در روزهای جنگ جهانی اول خطریورث نیروهای عثمانی به ایران بالا گرفت، پیشروی این نیروها خطری برای کشور بود، هم‌زمان با توجه به برنامه نسل‌کشی ارمنیان که توسط ترکیه عثمانی در حال اجرا بود، ارمنیان ساکن استان‌های آذربایجان، همدان، قزوین و تهران نیز احساس خطر کردند. به همین علت، طی سال‌های ۱۹۱۵ و ۱۹۱۶ میلادی، تعداد قابل توجهی از آنان از کشور مهاجرت کردند. با توجه به این خطر بالایی که وجود داشت، رهبران جامعه ارمنیان، که هوهانس‌خان ماسحیان نیز در بین آنان بود، به فکر چاره افتاده و هیئتی را برای درخواست کمک از دولت وقت، مامور کردند که در این باره به مذاکره بپردازند.

به نوشته شاهدان عینی، این هیئت از طرف نخست‌وزیر و وزیر کابینه به گرمی پذیرفته شده و دولت اعلام کرد که همچون گذشته وظیفه



خود می‌داند که از جان و مال شهروندان ارمنی خود حمایت کند. قابل ذکر است که طی این نسل‌کشی ۵/۱ میلیون تن از ارمنیان قتل عام شده و بیش از یک میلیون تن از آنان نیز آواره چهار گوشه جهان شدند و مال و اموال و دارایی آنان چه منقول و چه غیرمنقول توسط دولت عثمانی مصادره شد تا مصطفی کمال در نتیجه آن و با استفاده از دارائی‌های ارمنیان، دیون خارجی خود را پرداخت کند.

آوانس‌خان به عنوان عضوی از رهبران وقت جامعه ارمنیان تهران، تاثیر بسزایی در برنامه‌ها و فعالیت‌های جامعه داشت. در زمان اجرای نسل‌کشی ارمنیان توسط دولت عثمانی، تعدادی از آوارگان، نجات‌یافتگان و یتیمان به‌جای‌مانده از این جنایت، از بغداد به مقصد تهران راهی شدند. در همین موقع رهبری جامعه و وظیفه جدیدی را به عهده جمعیت صلیب سرخ ارمنیان گذاشت:



مراقبت از یتیمانی که از نسل کشی نجات یافته و به تدریج از بغداد به تهران فرستاده می‌شدند. صلیب سرخ با پشتکار شروع به کار کرد تا حداقل برخی از یتیمان تازه‌وارد را به عنوان فرزندخوانده به والدین بدون فرزند یا ثروتمند بسپارد که با برخوردی غیرمنتظره و گرم روبه‌رو شد. افراد بدون فرزند و ثروتمند، نه تنها یتیمان محروم از والدین را که در معرض رنج بودند با عشق پذیرفتند، بلکه خانواده‌های طبقه متوسط با چندین فرزند، نیز یتیمان را یکی‌یکی به فرزندپذیری پذیرفته و از آنها مانند فرزندان خود مراقبت کردند.

بسیاری از این یتیمان، و شاید بتوان گفت همه آنها، با دریافت آموزش از طریق والدین معنوی خود و ورود به عرصه زندگی، نه تنها روی پای خود ایستاده و تشکیل خانواده دادند، بلکه با گذشت زمان برخی از آنها به موفقیت‌های بسیاری رسیده



و به نوبه خود برای اطرافیان و جامعه نیز امکانات خوبی فراهم کردند.

مرجع حل اختلاف

در دوران اوایل قرن بیستم، هم‌زمان با افزایش جمعیت جامعه ارمنیان تهران، گاهی اختلافاتی نیز بین گروه‌های فعال در جامعه پیش می‌آمد، که هوهانس خان ماسحیان به عنوان معتمد همه گروه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در رفع آنها داشت. یکی از موارد در سال ۱۹۲۵ پیش آمد و شاهد این ماجرا در باره جلسه حل اختلاف در کتاب خاطرات خود چنین نوشته است: «میانگیری در سال ۱۹۲۵ اتفاق افتاد. چند نفر میانجی بودند، اصلی‌ترین آنها هوهانس خان ماسحیان بود، همان مترجم توانای آثار شکسپیر. فردی که با خدمات آموزشی خود به جامعه از احترام بالایی در میان ارمنیان برخوردار بوده و نقش مهمی در بالا بردن کیفیت



مدارس ارمنیان تهران ایفا کرده است. او موقعیت خوبی در دولت ایران داشته و روابط خوبی با مقامات عالی رتبه دارد. وی به همراه همفکرانش، نقش بسزایی در دموکراتیزه کردن جامعه ارمنیان ایفا کرده است. زمانی سردبیر هفته نامه ارمنی زبان «شایوق» بود. مورد اعتماد دولت ایران بود و مدت‌ها چندین سمت رسمی داشت، از مقام سفیری در کشورهای اروپایی گرفته تا مشاور وزارت امور خارجه. در دوران جمهوری مستقل ارمنستان در سال‌های ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰ سفیر ارمنستان در لندن بود.

هم فعالیت‌های گذشته‌اش و هم جایگاهش به عنوان یک چهره ادبی و به‌ویژه سفیر ارمنستان بودن وی، ما جوانان را برآن داشت که بدون توجه به اینکه او بسیار به فرد مخالف ما نزدیک بود، او را به گرمی احاطه کنیم. او با دیدن رفتار محترمانه ما، اغلب می‌گفت: از حضور من استفاده



کنید، استفاده کنید، من نمی‌توانم مدت زیادی اینجا بمانم.

جریان مقابل مدعی بود که او را به عنوان یک میانجی بی‌طرف و محترم برای توقف درگیری و انعقاد صلح انتخاب کرده است، اما در عمل، میانجیگری هوهانس‌خان با ابتکاروی با هدف بهبود زندگی عمومی و متحد کردن نیروهای جامعه انجام گرفته بود.

جلسات نمایندگان هر دو گروه به ریاست هوهانس‌خان تشکیل شد تا نامزدها برای مدیریت جامعه ارمنیان با رضایت متقابل انتخاب شوند. در نهایت و پس از برگزاری چندین جلسه، در نتیجه میانجیگری ماسحیان و دیگران، طرفین به توافق رسیدند و اختلافات پایان یافت.»

ماسحیان، شکسپیر و معرفی ادبیات غرب

فراتر از عرصه سیاست، ماسحیان دلبستگی ژرفی



به ادبیات داشت. او از نخستین ایرانیانی بود که آثار ویلیام شکسپیر را با نگاهی ادبی و تحلیلی به زبان فارسی ترجمه کرد. در محافل ادبی آن زمان، وی را «شکسپیرشناس ایرانی» می‌خواندند.

ماسحیان همچنین از برجسته‌ترین مترجمان آثار شکسپیر به زبان ارمنی بود. ترجمه‌های او با نثری فاخر و واژگانی دقیق، خوانندگان ارمنی را با روح آثار شکسپیر آشنا می‌ساخت. وی در طول چهار سال فعالیت ادبی خود، نزدیک به ۲۰ نمایشنامه شکسپیر را به ارمنی برگرداند و از این رهگذر جایگاهی ممتاز در ادبیات ارمنی به دست آورد.

او با تسلط بر چندین زبان اروپایی، حدود ۵۰ جلد کتاب از نویسندگان نامدار اروپا از جمله آکسساندر دوما، پیر لویی، چارلز دیکنز و دیگران را برای مطالعه ناصرالدین شاه ترجمه کرد. از دیگر ترجمه‌های برجسته او می‌توان به کتاب «شورش هندوستان» اثر ساموئل گرین و یلر بنجامین و «سفرنامه برادران



شرلی) اشاره کرد.

ماسحیان همچنین آثاری از گوته، بایرون، هاینه و رابیندرانات تاگور را به فارسی ترجمه کرد و حتی بخشی از شاهنامه فردوسی را به زبان ارمنی برگرداند. متأسفانه بسیاری از ترجمه‌های فارسی او به سبب عدم چاپ در زمان خود، از میان رفته و دسترسی به آنها ممکن نیست.

احتشام السلطنه، از رجال برجسته عصر قاجار، در یادداشت‌های خود چنین می‌نویسد: «اعتماد السلطنه از دوش آوانس خان کار می‌کشید و کتب و رسالات خارجی را به او می‌داد تا ترجمه کند، سپس به نام خود چاپ می‌کرد.»

برخی از آثار ماسحیان نیز در گذر زمان و به دلیل تحریف نام نویسندگان یا سودجویی برخی از رجال قاجار، از یاد رفته‌اند. از جمله ترجمه‌های شناخته‌شده او می‌توان به کتاب‌هایی مانند، عقیده در باب ایران و هند، سیاحت‌نامه اومبری،



شورش هندوستان در سال ۱۸۵۷، هندوستان و استیلای انگلیس، سفرنامه بنجامین آمریکایی، مدخلیت ایران در مسئله شرق، سفرنامه استانلی به آفریقا، تاریخ بیست و شش ساله حکومت الکساندر دوم، میشل استروگف، سیاحت‌نامه دور دنیا، سفرنامه برادران شرلی و تحقیقات درباره چین (اثر ولتر) اشاره کرد.

نقش او در معرفی ادبیات غرب

ماسحیان با ترجمه و نگارش مقالات ادبی گوناگون، نقشی مؤثر در آشنایی ایرانیان با فرهنگ و ادبیات اروپا ایفا کرد. او باور داشت که «مطالعه ادبیات جهان، راهی است برای رشد فکری و اخلاقی جامعه». سخنرانی‌ها و نوشته‌های او که در مجامع فرهنگی ایراد یا منتشر می‌شد، سرشار از خرد و انسان‌دوستی بود و به تقویت دوستی میان ملت‌ها یاری می‌رساند.



خدمت به ميهن در عرصه بين المللی

ماسحيان در تمامی مأموریت‌های خود، همواره پاسدار شأن و منزلت ایران بود و با درایتی کم‌نظیر در تحکیم روابط بین‌المللی کشور کوشید. او در گزارش‌ها و نامه‌هایش، بر شناخت متقابل فرهنگی میان ملت‌ها تأکید می‌کرد و معتقد بود: «دیپلماسی، بی‌فهم فرهنگی، بی‌ثمر است.» رفتار متین و درک عمیق او از مسائل کشورهای میزبان، سبب احترام ویژه مقامات سیاسی و فرهنگی نسبت به وی بود. آکیئو کاساما، نخستین وزیرمختار ژاپن در ایران، که تقریباً هم‌زمان با وزیرمختاری آوانس‌خان در توکیو، در تهران مأموریت داشت، در خاطرات خود شرحی تحسین‌آمیز درباره این چهره برجسته ایرانی-ارمنی نگاشته است.

سخنان الهام‌بخش از ماسحيان

«فرهنگ، زبانی جهانی دارد که تنها گوش دانا



می تواند آن را بشنود.»

«دیپلماسی، هنر سخن گفتن با دل هاست، نه

فقط با زبان ها.»

«انسان فرهیخته کسی است که میان دو ملت، نه

مرز، بلکه پیوند می بیند.»

افتخارات و یادبودها

ماسحيان در طول سالیان خدمت خود، به دریافت

مدال ها و نشان های افتخار بسیاری نایل آمد،

از جمله:

● نشان درجه سوم شیر و خورشید از دولت ایران

(۱۸۸۷ م)

● نشان سرتیپی اول با حمایل از دولت ایران

(۱۸۹۸ م)

● نشان عقاب قرمز پروس از درجه دوم (۱۸۹۹ م)

● نشان سنت موریس و لازار از درجه کماندور از

دولت ایتالیا



گرچه زندگي ماسحيان در سكوت و آرامش گذشت، اما خدمات او موجب شد نامش در حافظه فرهنگي و تاريخي ايران جاودانه بماند؛ به گونه‌اي كه او را از ديپلمات‌هاي اثرگذار و مترجمان برجسته قرن نوزدهم مي‌دانند. در منابع گوناگون به انسان دوستي و بينش اخلاقي و فرهنگي او اشاره شده است؛ مردی كه ميان سياست و ادبيات، پلي از خرد و انسانيت ساخت.

يكی از نويسندگان هم‌دوره او نوشته است: «ماسحيان مردی بود كه در مجلس سخن نمي‌گفت مگر سخن سنجيده؛ در نگاه او آرامشي بود كه از خرد مي‌جوشيد.» بسياري از همكارانش نيز از او به عنوان انساني فروتن، دقيق و عاشق دانش ياد کرده‌اند.



سخن پایانی

آوانس خان ماسحیان نماد نسلی از ایرانیان فرهیخته است که میان شرق و غرب، زبان مشترک فرهنگ و ادب را پی‌ریختند. او با قلم، اندیشه و رفتار خویش نشان داد که فرهنگ، مرز نمی‌شناسد و انسانیت والاترین ارزش است. نام او، در کنار دیگر چهره‌های درخشان ارمنی‌تبار ایران، همواره یادآور خرد، ادب و وفاداری خواهد بود.

در پایان، از همه عزیزانی که در برگزاری مراسم پاسداشت آوانس خان ماسحیان همکاری داشتند، سپاسگزاری می‌شود. باشد که یاد و نام این فرزانه ایرانی الهام‌بخش نسل‌های آینده در مسیر رشد و شکوفایی وطن عزیزمان باشد.



اعتبارنامه

۱۰۲

ما امضاء کنندگان ذیل اعضاء انجمن نظارت حوزه اشرف درانز شاطخ حنرب ایران

تصدیق میکنیم که در روزهای ۱۳۰۵ در روزی که شناسانندم هرت است و سنش شصت و دو سال

و ساکن حوران است در انتخابات این حوزه انتخابیه که در تاریخ ۱۳۰۵ برادار اولی واقع شده

با کثرت ۳۸۸ رأی از ۷۳۸۳ رأی دهندگان بنامندگی برای مجلس شورای ملی منتخب

گردید و شهادت میدهم که انتخاب معزی الیه موافق مقررات قانون انتخابات مورخه ۲۸ شوال

سنه ۱۳۲۹ که بعضی از مواد آن در دوازدهم شهر یور ماه و پنجم و دوازدهم مهر ماه شمسی ۱۳۰۴

اصلاح و تصویب مجلس شورای ملی رسیده انجام یافته و تفصیل این انتخاب در صورت مجلس

انتخابات این حوزه مندرج است

بتاریخ ۱۳۰۵

مهر و امضای اعضای انجمن نظارت اشرف درانز شاطخ حنرب ایران
مهر و امضای حاکم و مهر حکومت
این اعتبار نامه صحیح است
مهر و امضای حاکم و مهر حکومت
مهر و امضای حاکم و مهر حکومت
مهر و امضای حاکم و مهر حکومت

اعتبارنامه هوهانس ماسحیان

در دوره ششم مجلس شورای ملی - سال ۱۹۲۷ میلادی



کره جواهرنشان هنر کم نظیر استاد
تزرونی ماسحیان که در سال ۱۸۷۵
میلادی به دستور ناصرالدین شاه
ساخته شد و هم اکنون در موزه
جواهرات ملی ایران نگهداری می شود.

